



### چرا بهاوی باخت؟

نثار احمد بهاوی، قهرمان تکواندوی افغانستان در آخرین رقابتش برای کسب مدال برنز باخت. اما واقعا دلیل شکست بهاوی چه بود؟ رادیو دویچه وله در این مورد گفتگوی ویژه‌یی با ناصر هوتکی، کارشناس تکواندو انجام داده است.

نثار احمد بهاوی، قهرمان تکواندوی افغانستان که از ناحیه پا مصدوم بود، جمعه شب در وزن 80 کیلوگرام **دویچه وله** مقابل حریفش از ایتالیا قرار گرفت و با نتیجه 4 بر 0 بازی را واگذار کرد. آقای هوتکی، نثار احمد چرا باخت؟ آیا مصدومیت تنها دلیل شکست او بود؟

چند مسئله قابل بحث است. یکی مسئله مصدومیت است؛ نثار پایش چهار پنج بار عملیات شده است. اما بالاخره **هوتکی** تداوی شد و توانست در کسب سهمیه المپیک مدال طلا بگیرد. در این مسابقات هم آمادگی عام و تام داشت؛ اما یک هفته پیش تمرینات فشرده داشت که این از نظر تکنیکی مشکل دارد، کسی که برای المپیک می خواهد مسابقه بدهد، از چند یک هفته آمادگی در تمام جهان، شامل نرمش و تفریح است تا ورزشکار از لحاظ روحی و سال پیش آمادگی می گیرد روانی آماده شود. اما دوستان یک تمرین بسیار فشرده سخت برای او تدارک دیدند تمرینی که باعث شد پای او آسیب ببیند.

با این هم، در مسابقه دوم بهاوی بسیار با قدرت ظاهر شد که بنابراین می توان گفت که مصدومیت دلیل فرعی شکست بود. دلیل دوم این که، در ورزش غالبا رقیبان شناسایی می شوند، ویدیوی بازی آنان پیدا می شود و در حضور هیئت فنی و ورزشکار شیوه مبارزه آنها انالیز (تحلیل) می گردد. شگردهای رقیب شناسایی و برای هر کدام راهکار پیشنهاد می گردد. متأسفانه در این مبارزه این چنین نبوده. اگر برای نثار شیوه درست مبارزه با رقیب قذبلند آموزش داده می شد، دست کم مسابقه را شکست نمی خورد و می توانست امتیاز هم بگیرد. من فکر می کنم این به دلیل ناشی گری بخش تخنیکی فدراسیون تکواندو است.

آیا این مسئله به خاطر نبود افراد متخصص در تیم اعزامی لندن به وجود آمده که نتوانستند ورزشکار را **دویچه وله** آماده بسازند؟

من فکر می‌کنم این کاروان ورزشی نبوده؛ این کاروان هیئت اداری و کارمندان عالی‌رتبه کمیته ملی المپیک: **هوتکی** بود که در ترکیب خود چند ورزشکار هم داشته است. مثلاً رییس کمیته المپیک بادیگارد های خود را می‌برد که گویا از حمله انتحاری احتمالی در لندن جلوگیری کنند. در حالی که اگر پرسان کنید که چرا داکتر یا فیزیوتراپیست نبردید، می‌گویند که بودجه نداریم.



ناصر هوتکی، کارشناس تکواندو

نه داکتر بوده نه فیزیوتراپیست، نه روانشناس. در مورد تغذیه هم، بیشتر وقت‌ها ورزشکاران ما قرنطین نمی‌شوند؛ اگر قرنطین هم شوند، با یک رستوران قرار داد می‌شود که هر روز برایشان قابلی پلو بدهند، به نام گویا انرژی!

مدیریت ورزشی در افغانستان احساس می‌شود که یک مقام سیاسی است تا یک مقام ورزشی. آیا این باعث **دوچپه** و له افت ورزش در یک کشور نمی‌شود؟

متأسفانه در افغانستان بیشتر پست‌هایی که باید آدم‌های متخصص و توانمند آنجا باشند، بر بنیاد علائق و **گپ**: **هوتکی** های سیاسی توزیع می‌شوند تا به باور خودشان، وحدت ملی، زبانی و منطقی... مراعات شود. رییس کمیته ملی افغانستان بیشتر از هر چیز به امنیت نیاز دارد. المپیک فعلاً فردی درس خوانده، گویا متخصص در عرصه نظامی است اما او به این پست جابجا شده است.

منظور این است که آیا کمیته المپیک یک پست حاشیه‌یی و طفیلی است که غالباً یک فرد سیاسی، نظامی بر **دوچپه** و له آن نصب می‌شود؟

متأسفانه با شما موافقم. این یک پست سیاسی نیست، اما یک پست سیاسی ساخته می‌شود. در دیگر جاها اگر **هوتکی** یک سیاستمدار هم رییس المپیک شود، از امکانات و روابط خود برای بهبود ورزش استفاده می‌کند؛ در اینجا برعکس است. یک عده با یک خانه می‌آیند، از مدیریت ورزش صاحب ده خانه می‌شوند.

از سوی دیگر، ورزشکارها در سرنوشت سیاسی افغانستان سهم آنچنانی نداشتند؛ و شاید هم هیچ نداشتند بنابراین به عنوان یک قشر فرعی دیده می‌شوند. اما اگر توجه کنید حالا 400، 500 هزار نفر به نحوی زندگی خود را با ورزش

گره زده اند. در فضای صلح و جنگ ورزش حرف اول را می‌زند، حتی پیش از دیپلماسی.



### نثار احمد بهاوی، قهرمان تکواندوی افغانستان

در بخش ورزش آیا کمک جهانی وجود دارد؟ یا برای جامعه جهانی هم ورزش افغانستان یک مسئله حاشیه **:دوچپه وله** بی است؟

برای جامعه جهانی ورزش یک مسئله حاشیه بی نیست؛ منتها ظرفیت جذب کمک برای ورزش وجود ندارد. به **:هوتکی** عبارت دیگر، اول توانمندی جذب کمک وجود نداشته؛ دوم ظرفیت این نبوده توانمندی بیشتر را به وجود بیاوریم؛ سوم این که ما ظرفیت مدیریت همان کمک های اندک را هم نداریم .

به عنوان مثال، یک جودوکار نخبه ناروی در یکی از مجالس با رییس المپیک صحبت کرده که ما حاضر هستیم برای جودو یک جمنازیوم درست کنیم؛ از طرف رییس المپیک جواب داده شده است که اگر پول را نقد می دهید خودمان کار می کنیم، ورنه رخصت هستی .

زندگی یک قهرمان ورزشی در افغانستان چگونه است؟ این ورزشکاران چه امتیازاتی دارند . **:دوچپه وله**

بر اساس 32 سال تجربه ورزشی ام باید بگویم که هیچ توجهی صورت نمی گیرد. زندگی اینان بسیار **:هوتکی** ضعیف است و به آنها هیچ توجه نمی شود به این بهانه که بودجه وجود ندارد. جودو کار ما مثلاً در کوپی کشی کار می کند؛ و یا روح الله نیکپا یک دکان موقر داشت .

کمیته المپیک معاشی به این قهرمانان ورزشی نمی دهد؟ **:دوچپه وله**

قطعاً نه! ورزشکاران افغانستان معاش ندارند؛ اما عصریه که با آنها می دهند، ماهانه یکهزار افغانی (20 دالر) **:هوتکی** است. علاوه بر این، مثلاً در گذشته وقتی 800 دالر برای اشتراک در مسابقات دهه فجر، به عنوان جیب خرج و سفر خرج به ورزشکار پرداخت می شد، رییس فدراسیون به هر ورزشکار فقط 100 دالر می داد. شاید باور نکنید که یک نفر 20 سال است که در کمیته ملی المپیک رییس یک فدراسیون، ترینتر، کاوچ و.. است .

در یک کلام، اول این که بودجه ندارد، دوم این که نمی توانند بودجه پیدا کنند؛ سوم این که همان چیزی را که دولت می پردازد، درست مصرف نمی شود .

